

احکام را با لبخند بیاموزیم

حقوق همسر

سیده ام الهدی سجادی

۱. اطاعت زن از شوهر در امر بیرون رفتن از خانه...

الف) لازم نیست؛ مگر قرار است با هر بار بیرون رفتن، گزارش کار به او تحویل بدهید؟
ب) جزء محلات است؛ مگر زن باید از کسی اجازه بگیرد.
ج) واجب است

۲. اطاعت زن از شوهر در چه اموری واجب است؟

الف) در اموری که بعدش قرار باشد شوهر برای او یک سرویس جدید بخرد.
ب) در اموری که شوهر قبل از آن امور در برابر خانواده ی خودش طرفداری همسرش را گرفته، بعد از آن هر چه شوهر گفت ارزشش را دارد گوش بدهی در همین حد کفایت و نیازی به عمل به آن نیست.
ج) فقط در امر استمتاع و خروج از منزل واجب است.

۳. زن می تواند در قبال کاری که در خانه میکند...

الف) کلی غر به جان همسر خود بزند.
ب) از همسرش جان بخواهد (حالا کی هست که بدهد!)
ج) از او طلب اجرت کند.

۴. آیا این جمله صحیح می باشد؟ «حقوق و اموال زن متعلق به خود اوست و شوهر حق تصرف در اموال زن را ندارد»

الف) کلمه ی شوهر چندان صحیح نیست چون احساس ندارد. باید بجای آن از کلمه همسر، همجنس، هم درد، هم سو و همه استفاده نمود.
ب) آقا حقوق را هم که اشتباه نوشته اید! این دیگر چه جمله ی اشتباهی است که نوشته اید!
ج) کاملاً صحیح می باشد.

۵. نفقه زن شامل...

الف) خرید ماشین آلبالویی می شود؛ البته این ماشین بارش هم آلبالو باشد کفایت می کند و حکم ماشین آلبالویی را می گیرد.
ب) پرداخت هزینه های سفر به برج زیننگ در شهر نانجینگ چین، می شود.
ج) مایحتاج اصلی همسر مانند غذا، لباس، مسکن، لوازم ضروری خانه، هزینه های درمانی و بهداشتی در حد عرف و شأن خانوادگی او می شود.



بحر طویل اندر حکایت کسی که با همسرش اندکی بد اخلاق بود!

بهشتت؟ زرشک!

ابراهیم کاظمی مقدم

در عصر رسول قُرشی، سعد معاذ مدنی بود صحابی بزرگی؛ نه به هیکل! که به ایمان و شجاعت و سرانجام شهادت! و چنین بود مقامش که نشستند ملایک به عزایش و نبی آمده بی کفش و ردایش و فرمود بگویند ثنایش و دعا کرد برایش!
چون که چنین رفت بر او، گفت به او، مادر او: بر تو گوارا بود این روضه جنات! که پیغمبر ما داد جوابش، که در آخرت این مرد به مشکل بخورد. چون به زن و اهل و عیالش نمود دست محبت و شهادت نشود کل سعادت و بد اخلاقی او تا نشود حل، نگذارد به بهشت او تُک پا را! سمرقند و بخارا. (ربط نداشت، قافیه که داشت) (شیخ طوسی، الأمالی، ص ۴۲۷)

دعای زنان موقع رفتن به خرید

مناجات خریدیه

محمد حسین علیان

منت خدای را عَزَّوَجَلَّ بابت خلقت شوهر، که حقوقش باعث خرید است و اضافه کاری اش موجب خرید دیگر.
پس در هر ماه دو خرید موجود است و بر هر خریدی، خریدی دیگر واجب.

از دست و زبان که بر آید

از بس بخرم چشت در آید

چون لباسی بخرم، کفشی می باید خرید که با آن سبت کنم. و تا کفش بخرم لباس از چشمم افتاده و می باید لباسی دیگر خرید.

الهی! در سر افکار با کلاس داریم و در دل عشق لباس داریم ولی در زبان، اوامر شوهر را پاس داریم. چون گوید دیگر نخر گوئیم چشم؛

چنان چشمی که از چشمانش بزند بیرون.

الهی! شوهر مرا حالی بفرما که این لباسهایم ویران است، یک مانتو دارم که فقط یک میلیون تومان است و یک کفش پانصد هزاری که خیلی ارزان است، از کیفم نگویم که در حد رایگان است. آخر کجا گران است؟ یک لباسی خفن بخر که راحت جان است.

الهی! مگوی بعد از خرید چطوریم که خندانیم. مپرس با کدام پول که نمی دانیم. فقط به شوهر فشار آوردیم که می خواهیم. هر چه گفت نمی توانیم گفتیم از این حرفها نداریم. اگر دزدی کرده به ما چه؟ ما فقط پول خواستیم.

الهی! اگر از جیب شوهر پولی بی اجازه برداشتم که برداشتم. همین که تحملش میکنم سنگ تمام گذاشتم.

الهی! از خرید تجملاتی من، شوهرم به تنگ آمده است؛ گشادش کن تا خرید مرا تنگ نکند.

الهی! ما را در دو راهی خرید و زندگی مشترک قرار مده که البته ما زندگی مشترک انتخاب خواهیم کرد تا در آن خرید کنیم.

اطلاعات سزّی محله

نرجس سادات یزدگردی



هنوز کله پاچه فروشی سرخیابان کرکره را بالا نداده بود، که سربازان سزّی بخش اطلاعات محله، چادرها را دور کمر بسته و دمپایی به پا کرده، به خط نشسته بودند. همه منتظر فرمان آتشی فرمانده بودند تا اطلاعات طبقه بندی شده‌ی روز گذشته محله، از عروس افاده‌ای مهین خانم اینا گرفته تا پسر چلمن ماست بندی سر کوچه وارد و بدل کنند.

فرمانده، لخ لخ کنان و عصا زنان همراه با پنج کیلو سبزی در زنبیل، از انتهای کوچه نمایان شد. امروز نوبت توران خانم بود که چاشنی عملیات را آماده کند و میزبان جلسه‌ی سزّی محله باشد.

فرمانده همانطور که چاشنی را برای شروع عملیات تقسیم می‌کرد، متوجه جای خالی کبری خانم شد. یکی گفت: «بین خودمون بمونه ولی بنده خداها بعد پخش شدن اون ماجرا توی محل، دیگه از این اینجا رفتن.» فرمانده همانطور که سرش را تکان میداد گفت: «خدا نصیب گرگ بیابون نکنه. دندون مصنوعی روی زمین افتاده رو میشه دوباره گذاشت سرجاش ولی آبروی ریخته رو نمی‌شه جمع کرد.»

همانطور که همه مشغول نچ نچ گفتن بودند فرمانده توران با رمز «خدا باعث و بانیش رو لعنت کنه» رسماً شروع عملیات رو اعلام کرد. سربازان مشغول پاک کردن سبزی و رد و بدل اطلاعات شدند.

کلثوم ننه،
کتابی در نقد خرافات رایج در میان زنان

طنز دینی در آثار علماء

محمد حسین علیان



واجب و این قول خالی از قوه نیست. و در چند جای دیگر هم وجوب ترک نماز را نوشته‌اند که چون سندش ضعیف بود و اختلاف داشت ایراد نشد.

باب نهم: اجماعی علماست که عروس باید با شوهر و خواهر شوهر و زن برادر شوهر که جاری گویند، دشمنی نماید و اگر در دل با هم دوست باشند در ظاهر با هم دشمنی بکنند که از جمله واجبات است و بی‌بی‌شاه زینب گفته که عروس باید هر چه مادر شوهر گوید برخلاف رفتار نماید و مادر شوهر همیشه شکوه‌ی عروس را به پسر کند و زن باید که هر چه بتواند افترا به خواهر شوهر ببند.

باب دوازدهم در بیان اقسام محرم و نامحرم: کسانی که نامحرمند: اول «عمامه به سر» اگرچه کوچک باشد و کمتر از پانزده سال داشته باشد ولی عمامه هر چه بزرگ‌تر باشد صاحب آن بیش‌تر نامحرم است و دیگر، علما و پیش‌نمازان و خدام مساجد و روضه‌خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج رفته باشند. اما آنان که محرمند شامل یهودی پراق فروش، سبزی فروش، زردک فروش، بزاز، پنبه عوض کن، طبیب، رمال، دعانویس و...

* دیدار با روحانیون استان سمنان. ۱۷ آبان سال ۸۵

در معرفی این کتاب به فرمایش مقام معظم رهبری بسنده میکنیم: «مرحوم آقا جمال خوانساری، عالم معروف، سیصد سال پیش برای اینکه خرافات را برملا کند، کتابی به نام کلثوم ننه را نوشت، که الان هست. ایشان با زبان طنز، معروف‌ترین خرافات زمان خودش را به زبان فتوای فقهای زنان درآورده و می‌گوید زنان پنج فقیه بزرگ دارند! آن وقت از قول اینها مثلا در باب محرم و نامحرم، در باب طهارت و نجاست و در باب انواع و اقسام چیزها، مطالبی را نقل می‌کند. یعنی عالم دینی به این چیزها می‌پردازد. ما خیال می‌کنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده مردم است و خرافی و خلاف واقع است، مقاومت کردیم، بر خلاف شئون روحانی عمل کرده‌ایم؛ نه، شأن روحانی این است.»*

بخشهایی از متن کتاب:

باب دوم: در بیان اوقاتی که نماز ساقط و ترک آن واجب است: اول در شبهای عروسی. دوم در حضور ساززن و نقاره چی، سوم وقتی که زن خویشان خود را در مجلسی ببیند لازم است که ترک نماز کند و حالات شوهر را به خویشان گوید. چهارم روزی که به موعظه شنیدن رفته باشد. پنجم روزی که جامه‌ی نو پوشیده باشد و ترسد که خرد و ضایع شود، در این صورت خاله جان آقا تردّد دارد و گفته که ترک نماز مستحب است نه

شبستان راه‌راه

نشریه طنز مسجد

(ضمیمه مجله راه‌راه)

دبیر تحریریه: محمد حسین علیان

تحریریه: سیده نرجس یزدگردی،

سیده ام‌الهدی سجادی،

ابراهیم کاظمی مقدم

صفحه آرایی: حسین شهریاری